

مسائل و چالش‌های حکمرانی محلی در استان تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

رضا خلیلی *

چکیده

حکمرانی مطلوب از یک سری اصول و رویه‌های مشترک و جهانی تبعیت می‌کند که بستگی به محیط جغرافیایی یا مقطع زمانی خاصی ندارد اما همواره بخش قابل توجهی از اصول و رویه‌های حکمرانی متأثر از ملاحظات محیطی بوده و وابسته به شرایط زمانی و مکانی خاص است. بر این اساس، حکمرانی کارآمد و مطلوب در مقیاسی کوچک‌تر مانند استان تهران مستلزم بررسی عناصر و مؤلفه‌های خاص و منحصر به فرد همین استان است. با این فرض، این مقاله به بررسی و تحلیل مسائل و چالش‌های حکمرانی محلی در استان تهران^۱ می‌پردازد. بدین منظور، ابتدا با بهره‌گیری از مصاحبه با خبرگان و مسئولین اجرایی استان، مسائل و چالش‌ها استخراج شده و سپس با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک به تحلیل ساختاری این مسائل و چالش‌ها پرداخته می‌شود. نتایج و یافته‌ها حکایت از آن دارد که مسائل و چالش‌های حکمرانی استان تهران ناشی از چهار حلقه ناکارآمدی، نارضایتی، محرومیت و ناامنی است که بیش از آنکه مردم در آن‌ها نقش داشته باشند، دولت‌ساخته/پایه هستند و بنابراین برای حل این مسائل بیش و پیش از هر چیز باید قواعد حکمرانی ملی و استانی از طریق کاهش نقش دولت در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی اصلاح شود.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی محلی، ناکارآمدی، نارضایتی، محرومیت، تهران، تحلیل ساختاری.

Rezakhilili@khu.ac.ir

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

۱. این مقاله برگرفته از یافته‌های پروژه «مسئله‌شناسی پیشرفت و امنیت در استان‌های کشور» است که در پژوهشکده مطالعات راهبردی به انجام رسیده است.

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست‌وپنجم ● شماره سوم ● پاییز ۱۴۰۱ ● شماره مسلسل ۹۷

مقدمه

هنگامی که سخن از اداره کشور و کارآمدی نظام اجرایی به میان می‌آید، اکثر تحلیل‌گران ایرانی به نقد سیاست‌ها و عملکرد دولت مرکزی تمایل دارند و کمتر دیده شده است که فردی یا حتی دستگاهی به طور مستقل به دنبال تقویت نظام کشورداری در سطح محلی و استانی باشد. بر همین اساس، اکثر مراکز پژوهش راهبردی و اندیشکده‌های کشور نیز تمرکز خود را بر شناخت و تحلیل مسائل راهبردی برای سیاست‌گذاران مرکز نشین مصروف کرده‌اند و تقریباً هیچ اندیشکده راهبردی در سطح ملی، دستور کاری برای تقویت و توانمندسازی کشورداری و سیاست‌گذاران محلی و استانی نداشته است. این در حالی است که کشورداری کارآمد مستلزم کارآمدی و بخردانه‌بودن سیاست‌ها، تصمیم‌ها، رویه‌های اجرایی و کارگزاران در هر دو سطح ملی و استانی است؛ به گونه‌ای که اگر تمام سیاست‌ها و تصمیمات دولت مرکزی نیز صحیح باشند اما کارگزاران و کشورداری محلی توانمندی ذهنی و عینی پیاده‌سازی سیاست‌های ملی در بستر محلی را نداشته باشند، کارآمدی نظام اجرایی محقق نخواهد شد. پژوهش حاضر با این پیش‌فرض که کشورداری مؤثر و کارآمد استانی نقش مستقیمی در کارآمدی کل نظام جمهوری اسلامی دارد، به دنبال آن است تا با شناسایی و تبیین مسائل کشورداری و حکمرانی در استان تهران، گامی برای توانمندسازی نظام کشورداری و حکمرانی امنیت ملی بردارد.

با وجود اینکه پژوهش‌های موردی متعددی در مورد مسائل و چالش‌های امنیتی استان تهران به عنوان مهم‌ترین استان و پایتخت کشور انجام شده است و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و امنیتی مسائل استان به صورت پراکنده و غیرسیستماتیک و عمدتاً به صورت مقطعی یا در سطوح و قلمروهای زمانی و مکانی محدود مورد بررسی قرار گرفته است اما اثری جامع و کامل که مسائل و چالش‌های امنیتی استان را مورد بررسی قرار داده باشد وجود ندارد.

با این اوصاف هدف کلی این پژوهش بررسی مسائل و چالش‌های اساسی استان تهران است و تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که مسائل اساسی استان تهران کدامند، علت اصلی این مسائل چیست و پیامدهای آن‌ها کدامند؟ به تبع این پرسش به مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی

برای حل مسائل با توجه به نقاط قوت و ضعف استان نیز پرداخته می‌شود. این پژوهش ماهیت اکتشافی دارد و هدف آن استخراج نظام مسائل موجود در سطح استان تهران است. مسائل استان از طریق مصاحبه عمیق با خبرگان (مدیران استان و نخبگان) شناسایی می‌شوند. جامعه آماری ما کل نخبگان و مقامات اجرایی استان تهران هستند که با توجه به ملاحظات چون محدودیت زمان و امکان دسترسی، روش نمونه‌گیری، روش هدفمند است. سنجش روایی طرح هم از طریق بازآزمون نظام مسائل در مطابقت با دیدگاه کارشناسان و مدیران استان صورت گرفته است. تحلیل داده‌های پژوهش با روش تحلیل ساختاری و با کمک نرم‌افزار میک‌مک صورت می‌گیرد. نتایج و یافته‌های پژوهش در چهار بخش سازماندهی شده‌اند: بخش اول به روش گردآوری، تحلیل و سنجش روایی پژوهش اختصاص دارد. در بخش دوم به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پژوهش اشاره شده است. در بخش سوم مسائل اساسی استان که از نتایج مصاحبه‌ها به دست آمده است، مورد بررسی و تحلیل ساختاری قرار می‌گیرند و بخش چهارم هم به ارائه راهکارها و راه‌حل‌ها و توصیه‌های سیاستی برای مسائل اساسی استان اختصاص دارد.

الف) روش شناسی پژوهش

روش این پژوهش، روش تحلیل ساختاری است. این روش به طور کلی ذیل رهیافت سیستمی قرار می‌گیرد و روشی آمیخته یا نیمه‌کیفی - نیمه‌کمی است. روش تحلیل ساختاری اساساً بر درهم‌تنیدگی و پیچیدگی روابط بین پدیده‌ها متمرکز است و نه تنها روابط مستقیم متغیرها با یکدیگر، بلکه روابط غیرمستقیم آن‌ها را نیز دنبال می‌کند (Laprospective, 2019).

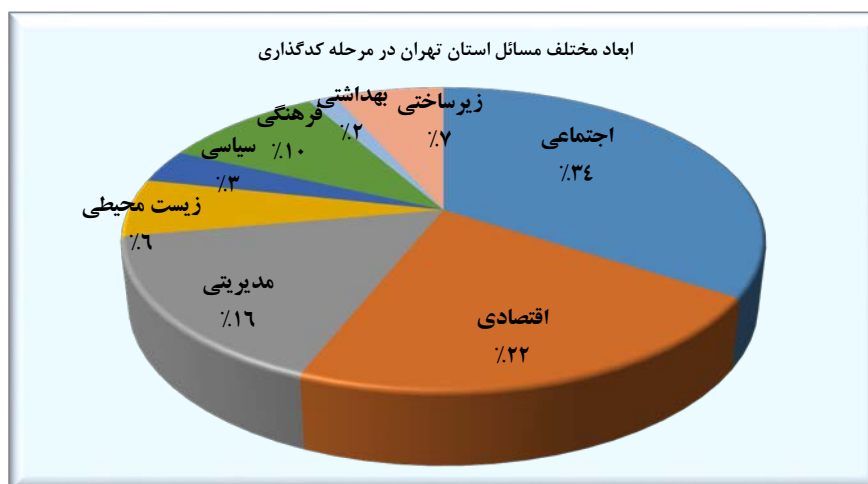
در تحلیل ساختاری، حداقل سه مرحله مشخص وجود دارد. مرحله اول مشخص کردن متغیرها^۱ یا مسائل است. مرحله دوم مشخص ساختن روابط^۲ بین متغیرها و مرحله سوم مشخص ساختن متغیرهای کلیدی^۳ از میان متغیرهایی است که از سوی نخبگان تعیین شده‌اند (Villacorta et.al, 2012: 150 - 159).

-
1. Define the relevant variables
 2. Specify the relations between the variables
 3. Identify the key variables

همچنان که در مرحله اول این نوع تحقیقات متغیرهای سیستم از طریق گردآوری دیدگاه نخبگان یا متخصصین^۱، طوفان فکری^۲ یا مرور ادبیات^۳ موجود یا مصاحبه به دست می‌آیند (Gordon, 1994)، در گردآوری داده‌های این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲۳ نفر از نخبگان اجرایی و فکری استان تهران استفاده شده و برای تبدیل داده‌ها به متغیرها یا تحلیل یافته‌های مصاحبه نیز از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع عرفی استفاده شده است. در ارتباط با تحلیل مصاحبه‌ها نیز از میان سه رویکرد کلی کمی، ساختاری و تفسیری (نصر، ۱۳۹۲: ۷۶ - ۸۴) از رویکرد تفسیری استفاده شده که اساساً مبتنی بر فرایند کدگذاری است (سالدنا، ۱۳۹۵: ۴۱).

در مرحله کدگذاری باز اولیه ۲۰۱ مسئله به دست آمده از مصاحبه‌ها با دسته‌بندی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، زیرساختی، زیست‌محیطی، سیاسی، فرهنگی و مدیریتی کدگذاری شدند. بیشترین مسائل و چالش‌ها از دیدگاه نخبگان، خبرگان و مسئولین اجرایی استان تهران مسائل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی بوده‌اند که در مجموع ۷۳ درصد چالش‌های پیش روی استان را تشکیل می‌دهند و ۲۷ درصد باقیمانده به ترتیب مربوط به مسائل فرهنگی، زیست‌محیطی، سیاسی و بهداشتی است. این ۲۰۱ مسئله در مرحله کدگذاری باز ثانویه در مرحله نهایی با کمک پنل خبرگی به ۹۵ مقوله تقلیل داده شد. اگر این مسائل را مانند مرحله قبل بخواهیم در ابعاد مختلف دسته‌بندی کنیم، همچنان که در نمودار زیر نشان داده شده است، بیشترین تأکید بر مسائل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی بوده که در مجموع ۷۲ درصد سهم مسائل استان را به خود اختصاص داده و ابعاد فرهنگی، زیرساختی، زیست‌محیطی، سیاسی و بهداشتی نیز در مجموع ۲۸ درصد سهم مسائل استان را به خود اختصاص دادند که تقریباً همانند کدگذاری مرحله اول است و ترکیب کلی داده‌ها در مراحل کدگذاری حفظ شده و فرایند ادغام در ترکیب کلی آن‌ها تغییری ایجاد نکرده است.

1. The opinion of several experts
2. Brainstorming
3. Literature review



اصلی‌ترین اقدام در مرحله دوم برقراری ارتباط یا شناسایی ارتباط میان متغیرها از طریق پندل خبرگی است تا اولاً مشخص شود آیا متغیرهای احصاشده دارای رابطه هستند یا نه و ثانیاً در صورت تشخیص رابطه، این رابطه دارای چه وزن یا اهمیتی است (Godet, 2006: 185). بر این اساس رابطه بین متغیرها در ماتریس مبتنی بر ۹۵ متغیر نهایی مورد بررسی و وزن‌دهی قرار گرفت و در مرحله سوم با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک که یکی از پرکاربردترین نرم‌افزارها برای تحلیل ساختاری است (Ahmed, 2010: 92; Godet, 2006: 185) متغیرهای کلیدی مورد شناسایی قرار گرفتند و اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر نیز سنجیده شد.

پس از آنکه متغیرهای مؤثر در حوزه مورد بررسی شناسایی و در مرحله بعد وارد ماتریس شد و میزان ارتباط میان متغیرها از سوی گروهی خبره هم تعیین شد، متغیرها در سطر و ستون چیده شدند تا بر این اساس تأثیر سطر بر ستون سنجیده شود (Zali & Benjumea et.al, 2016). در واقع، در این مرحله تأثیرات متقاطع چهار نوع رابطه شامل تأثیرگذاری

مستقیم^۱، تأثیرگذاری غیرمستقیم^۲، تأثیرپذیری مستقیم^۳ و تأثیرپذیری غیرمستقیم^۴ بررسی و تحلیل شدند.

ب) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش مدیران اجرایی استان شامل استانداران، معاونان پیشین و حال، فرمانداران پیشین و حال و معاونان آن‌ها، شهرداران، مدیران کل ادارات و سازمان‌ها، رئیس سازمان برنامه و بودجه و مدیران کل این سازمان، رؤسای دانشگاه‌ها، رؤسای ادارات و نیز فعالان جامعه مدنی، فعالان سیاسی استان، فعالان سازمان‌های مردم‌نهاد، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، وکلا، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، مسئولان تشکل‌های سیاسی، فعالان محیط زیست و نمایندگان اصناف بودند. استان تهران شامل شانزده شهرستان است که از میان آن‌ها هشت شهرستان تهران، شمیرانات، شهریار، اسلام‌شهر، شهرری، ورامین، پردیس و دماوند مورد مطالعه قرار گرفتند.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند^۵ (ر.ک: فراست‌خواه، ۱۳۹۷: ۱۳۶-۱۳۴) در فرایند گردآوری داده‌ها استفاده شد. در نمونه‌گیری هدفمند به منظور گردآوری داده‌ها، به سراغ مطلعین^۶ یا خبرگان رفتیم که در زمینه موضوع مورد مطالعه یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات بوده و راجع به موضوع مطالعه به پژوهشگر آگاهی می‌دهند (نیومن، ۱۳۸۹: ۳۷۳). مصاحبه با مطلعین تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری^۷ یا اشباع داده حاصل شود. بر این اساس نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت و نمونه‌ها و افراد تا جایی به نمونه‌های قبلی اضافه شدند که متوجه شویم دیگر چیز تازه‌ای کشف نمی‌شود (بلیکی، ۱۳۹۰: ۵۳). گرچه در خلال پژوهش پس از انجام ۱۰۰ مصاحبه اشباع نسبی داده حاصل شد و فضای مفهومی سؤال‌های پژوهش اشباع شد و پاسخ‌های افراد عمدتاً تکراری یا مشابه مصاحبه‌های قبل به نظر می‌رسید، اما جهت اطمینان بیشتر و آشنایی با دیدگاه خبرگان هشت شهرستان مورد مطالعه، مصاحبه‌ها تا ۱۲۳ مورد ادامه یافت.

1. Direct inuence
2. Indirect inuence
3. Direct dependence
4. Indirect dependence
5. Purposive Sampling
6. Informants
7. Theoretical Saturation

بر اساس داده‌های به دست آمده از متغیرهای زمینه‌ای، تعداد پاسخگویان بر اساس شهرستان در ورامین ۱۹ درصد (۲۳ نفر)، اسلام‌شهر ۱۶ درصد (۲۰ نفر)، شهریار ۱۴ درصد (۱۸ نفر)، شمیرانات ۱۳ درصد (۱۶ نفر)، دماوند ۱۰ درصد (۱۲ نفر)، شهرری ۱۰ درصد (۱۲ نفر)، تهران ۹ درصد (۱۱ نفر) و پردیس ۹ درصد (۱۱ نفر) را تشکیل می‌دهند.

از ۱۲۳ نفر خبرگان، نخبگان و مسئولین اجرایی استان که مورد مصاحبه قرار گرفتند، ۱۰ درصد (۲۴ نفر) را زنان و ۹۰ درصد (۹۹ نفر) را مردان تشکیل می‌دهند که از این میان ۱۲ نفر (۱۰ درصد) از پاسخگویان مجرد و ۱۱۱ نفر (۹۰ درصد) متأهل بوده‌اند. بیشترین تعداد مصاحبه‌شوندگان (۳۹ درصد) به گروه سنی بیش از ۵۰ سال تعلق دارند و کمترین تعداد پاسخگویان (۹ درصد) در گروه سنی ۳۰ تا ۳۵ ساله قرار دارند. گروه‌های سنی ۴۵ تا ۵۰ سال با ۲۰ درصد تعداد مصاحبه‌شوندگان در رده دوم است و گروه‌های سنی ۴۰ تا ۴۵ و ۳۵ تا ۴۰ هر کدام به میزان ۱۶ درصد در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. بر اساس این داده‌ها ۴۹ نفر به عنوان بیشترین میزان مصاحبه‌شوندگان (۴۰ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دو نفر به عنوان کمترین میزان (۲ درصد) دارای تحصیلات دیپلم بوده و از مابقی ۱۲۳ نفر، ۳۵ نفر (۲۸ درصد) دارای مدرک دکتری، ۳۳ نفر (۲۷ درصد) دارای مدرک کارشناسی و چهار نفر (۳ درصد) دارای مدرک کاردانی بودند.

توزیع فراوانی مصاحبه‌شوندگان بر حسب رشته تحصیلی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی ۷۵ نفر (۶۱ درصد) دارای تحصیلات در رشته‌های علوم انسانی، ۱۴ نفر (۱۱ درصد) دارای تحصیلات در رشته‌های علوم تجربی، هفت نفر (۶ درصد) دارای تحصیلات در رشته‌های علوم ریاضی، ۲۴ نفر (۲۰ درصد) در رشته‌های فنی - مهندسی و سه نفر (۲ درصد) در رشته‌های هنر بوده‌اند. توزیع فراوانی مصاحبه‌شوندگان بر حسب زمینه شغلی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد آن‌ها را نخبگان فرهنگی (ده نفر)، فعالان مدنی و کارشناسان فرمانداری (هر کدام هشت نفر) تشکیل می‌دهند و پس از آن‌ها به ترتیب رؤسای اداره صمت، آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی، شبکه بهداشت و درمان، معاونین فرماندار و نخبگان ورزشی (هفت نفر)، تولیدکنندگان و فرماندهان نیروی انتظامی (شش نفر)، رؤسای اداره کار (پنج نفر)، کارشناس امور بانوان، امور مالیاتی، فرماندار، فرمانده سپاه و مددکاران اجتماعی (چهار نفر)، رؤسای اداره ارشاد، ائمه جمعه،

اعضای شورای شهر و کارآفرینان (سه نفر) و فعالان رسانه‌ای، فعالان سیاسی و هنرمندان (دو نفر) در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

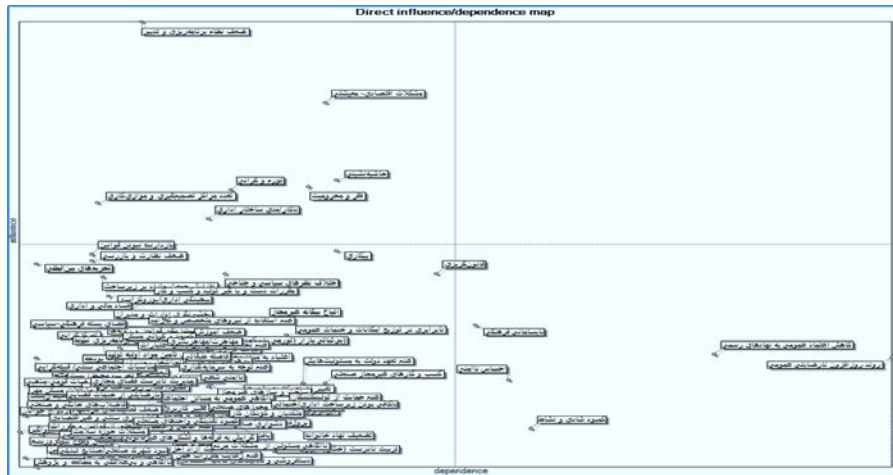
ج) نظام مسائل استان تهران

چنانکه گفته شد اندازه ماتریس مسائل استان تهران پس از بازبینی‌های اولیه متشکل از ۹۵ متغیر در سطر و ۹۵ متغیر در ستون تشکیل شد. با این اوصاف در ماتریس مذکور امکان سنجش ۹۰۲۵ رابطه میان متغیرها بوده است. از مجموع روابط به دست آمده از خروجی نرم‌افزار میک‌مک، شاخص پرشدگی به دست آمده برای متغیرها، با دو بار چرخش داده‌ای، ۲۰/۲ درصد به دست آمد که با درجه معتبر پرشدگی ماتریس که معمولاً ۲۰ درصد است (Laprospective, 2019) مطابقت دارد. در واقع این بدان معناست که متغیرهای انتخاب شده در بیش از ۲۰ درصد موارد بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند و از مجموع روابط سنجیده شده، ۱۸۲۲ رابطه دارای ارزش تأثیرات متقاطع بوده‌اند. در این میان، ۷۲۰۳ رابطه سنجیده شده معادل ۷۹/۸ درصد دارای ارزش عددی صفر یا به عبارت دقیق‌تر بدون اثرگذاری و اثرپذیری بوده‌اند. این متغیرها در واقع متغیرهایی بوده‌اند که نه بر روی هم اثر گذاشته‌اند و نه از هم اثر پذیرفته‌اند. ۹۲۷ رابطه یعنی حدود ۱۰/۳ درصد از متغیرها دارای ارزش عددی یک بوده یا به عبارت دیگر متغیرهایی بوده‌اند که بر روی سایر متغیرها اثرگذاری ضعیفی داشته‌اند. ۵۱۴ رابطه یعنی ۵/۷ درصد از متغیرها دارای ارزش عددی ۲ یا تأثیرگذاری متوسط بر روی سایر متغیرها بوده‌اند. ۳۷۲ رابطه معادل حدود ۴/۱ درصد از متغیرها هم دارای ارزش عددی ۳ یا دارای تأثیرگذاری قوی یا بسیار زیاد بر روی سایر متغیرها بوده‌اند. همچنین ۰/۹۹ درصد هم دارای تأثیر بالقوه یا P بر روی سایر متغیرها بوده‌اند.

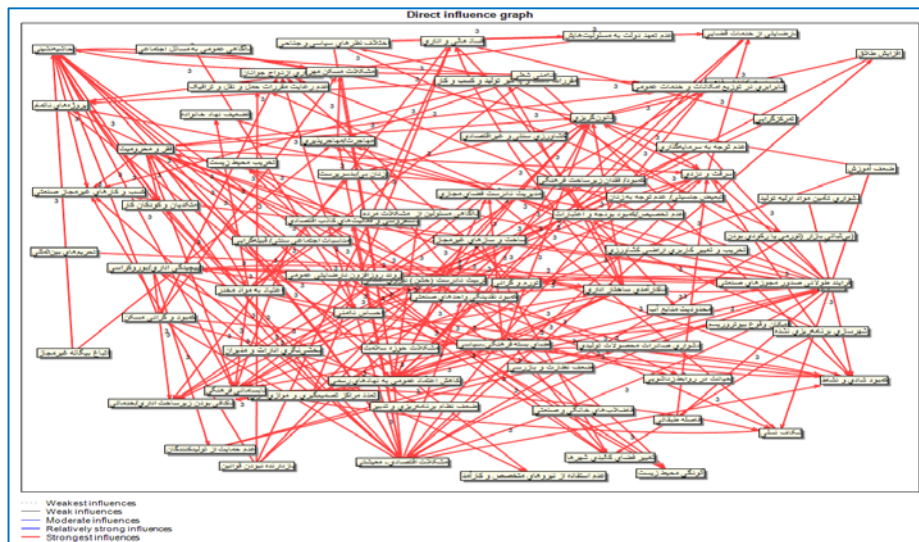
جدول ۱- مختصات ماتریس مسائل استان تهران

شاخص	میزان	درصد
اندازه ماتریس	۹۵	-
تعداد چرخش	۲	-
بدون رابطه	۷۲۰۳	۷۹/۸
رابطه با وزن ۱	۹۲۷	۱۰/۳
رابطه با وزن ۲	۵۱۴	۵/۷
رابطه با وزن ۳	۳۷۲	۴/۱
رابطه بالقوه	۹	۰/۰۹۹
مجموع	۱۸۲۲	۰/۱۰۰
درصد پرشدگی	۲۰/۲	۲۰/۲

پس از تشکیل ماتریس تحلیل تأثیرات متقاطع و وزن‌دهی به متغیرها، خروجی نرم‌افزار هم نوع نظام مسائل و هم متغیرهای کلیدی را نشان می‌دهد. همچنان که در نمودار زیر مشخص شده است نظام مسائل استان تهران از نوع پایدار و به شکل L است. در این نوع نمودار متغیرهای دوجبهی وجود ندارد و و پراکندگی متغیرها فقط در سه بخش نمودار است و گوشه بالای سمت راست نمودار خالی است. در واقع در این وضعیت فقط بایستی متغیرهای تأثیرگذار (گوشه بالا سمت چپ)، تأثیرپذیر یا وابسته (گوشه پایین سمت راست)، مستقل (گوشه پایین سمت چپ) و تنظیم‌کننده (میانه نمودار) مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند:



البته نمودار فوق فقط نشانگر کل نظام مسائل و متغیرهای مختلف آن است اما اگر بخواهیم رابطه بین متغیرها را بهتر درک کنیم باید روابط متقابل آنها را بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز مورد توجه قرار دهیم که در این صورت به نمودار زیر می‌رسیم. گرچه به جهت تعداد زیاد مسائل، روابط متقابل بین مسائل به خوبی روشن نیست، اما همین پیچیدگی و درهم تنیدگی خود به معنای آن است که استان تهران با مسائل بسیار متنوع و متفاوتی روبه‌رو است که حل و فصل آن‌ها نیازمند مدیریت کارآمد و صرف وقت و هزینه بسیار است.



داده نمودارهای فوق حاکی از آن است که متغیرهای ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر، مشکلات اقتصادی- معیشتی، حاشیه‌نشینی، فقر و محرومیت، تورم و گرانی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری، ناکارآمدی ساختار اداری، بیکاری، بازدارنده‌نبودن قوانین و ضعف نظارت و بازرسی، ده متغیر دارای بیشترین تأثیرگذاری مستقیم در نظام مسائل استان تهران بوده‌اند، در حالی که متغیرهای ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری، ناکارآمدی ساختار اداری، مشکلات اقتصادی- معیشتی، اختلاف‌نظرهای سیاسی و جناحی، تورم و گرانی، فقر و محرومیت، تحریم‌های بین‌المللی، ضعف نظارت و بازرسی و بازدارنده‌نبودن قوانین، ده متغیر دارای بیشترین تأثیرگذاری غیرمستقیم در بین مسائل استان تهران هستند. ده متغیر مهم تأثیرپذیر مستقیم از مسائل استان به ترتیب عبارتند از: روند روزافزون نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی، کمبود شادی و نشاط، احساس ناامنی، نابسامانی فرهنگی، قانون‌گریزی، حاشیه‌نشینی، بیکاری، مشکلات اقتصادی- معیشتی و کسب‌وکارهای غیرمجاز صنعتی، درحالی که روند روزافزون نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی، کمبود شادی و نشاط، احساس ناامنی، قانون‌گریزی، نابسامانی فرهنگی، سرقت و دزدی، حاشیه‌نشینی، کسب‌وکارهای غیرمجاز صنعتی و در نهایت دین‌گریزی و تغییر ارزش‌ها، ده متغیر یا مسئله اصلی دارای تأثیرپذیری غیرمستقیم در نظام مسائل استان تهران بوده‌اند. دو متغیر قانون‌گریزی و بیکاری نیز نقش تنظیم‌کننده دارند.

نکته جالب توجه در مسائل استان تهران این است که از مجموع ۴۰ متغیر با بیشترین وزن در چهار نوع متغیر مورد اشاره نوزده مورد تکراری است. در واقع اغلب متغیرهای مورد اشاره از درجه بالایی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری برخوردار هستند و در این میان سه متغیر روند روزافزون نارضایتی عمومی، ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی در عین تکرار دارای بیشترین اهمیت نیز می‌باشند.

۱. مسائل یا چالش‌های کلیدی استان تهران

شناسایی مسائل کلیدی استان مستلزم این است که از یک سو تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم و از سوی دیگر تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم آنها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. مهم‌ترین مسائل استان تهران از حیث تأثیرگذاری (مستقیم و غیرمستقیم) عبارتند از: ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر، مشکلات اقتصادی - معیشتی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری، ناکارآمدی ساختار اداری، تورم و گرانی، فقر و محرومیت، حاشیه‌نشینی، ضعف نظارت و بازرسی، بازدارنده‌نبودن قوانین و تحریم‌های بین‌المللی. در نقطه مقابل تأثیرپذیرترین (مستقیم و غیرمستقیم) مسائل استان هم عبارتند از: روند روزافزون نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی، کمبود شادی و نشاط، احساس ناامنی، نابسامانی فرهنگی، قانون‌گریزی، سرقت و دزدی، حاشیه‌نشینی، کسب و کارهای غیرمجاز صنعتی و مشکلات اقتصادی - معیشتی. جدول زیر نشان دهنده ده مسئله کلیدی استان است که شامل متغیرهای دارای بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هستند:

جدول ۲- مسائل یا چالش‌های کلیدی استان تهران

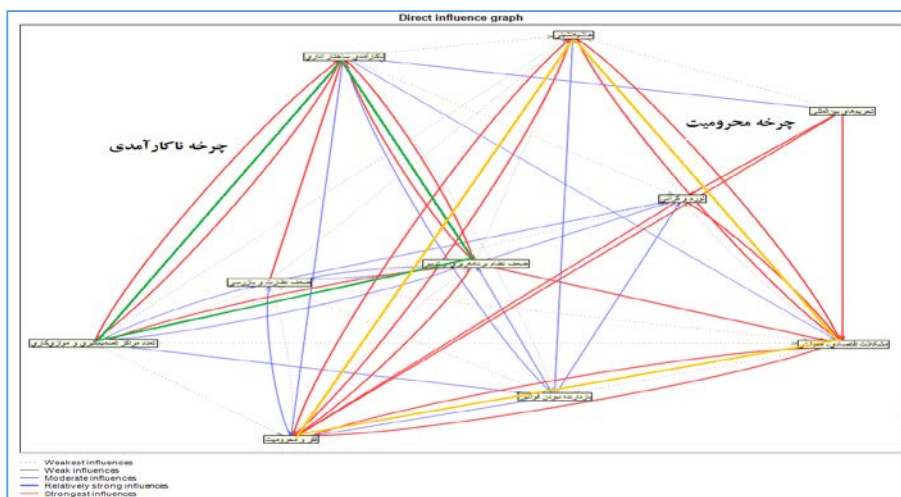
رتبه	نوع تأثیر	مسائل	میزان تأثیر
۱	تأثیرگذار	ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر	۸۹۹
۲	تأثیرگذار	مشکلات اقتصادی - معیشتی	۶۸۳
۳	تأثیرگذار	تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری	۶۱۲
۴	تأثیرگذار	ناکارآمدی ساختار اداری	۵۶۷
۵	تأثیرگذار	تورم و گرانی	۵۴۳
۶	تأثیرگذار	فقر و محرومیت	۵۴۱
۷	تأثیرگذار	حاشیه‌نشینی	۵۲۵
۸	تأثیرگذار	ضعف نظارت و بازرسی	۴۶۴
۹	تأثیرگذار	بازدارنده نبودن قوانین	۴۶۳
۱۰	تأثیرگذار	تحریم‌های بین‌المللی	۴۶۲
۱	تأثیرپذیر	روند روزافزون نارضایتی عمومی	۱۰۳۷
۲	تأثیرپذیر	کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی	۸۵۳

۶۸۲	کمبود شادی و نشاط	تأثیر پذیر	۳
۶۴۴	احساس ناامنی	تأثیر پذیر	۴
۵۷۴	نابسامانی فرهنگی	تأثیر پذیر	۵
۵۵۹	قانون گریزی	تأثیر پذیر	۶
۴۳۷	سرقت و دزدی	تأثیر پذیر	۷
۴۰۳	حاشیه نشینی	تأثیر پذیر	۸
۳۹۶	کسب و کارهای غیر مجاز صنعتی	تأثیر پذیر	۹
۳۷۶	مشکلات اقتصادی- معیشتی	تأثیر پذیر	۱۰

۲. متغیرهای تأثیرگذار

همچنان که اشاره شد، مهم‌ترین مسائل استان تهران از حیث تأثیرگذاری عبارتند از: ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر، مشکلات اقتصادی- معیشتی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری، ناکارآمدی ساختار اداری، تورم و گرانی، فقر و محرومیت، حاشیه‌نشینی، ضعف نظارت و بازرسی، بازدارنده‌نبودن قوانین و تحریم‌های بین‌المللی. با حذف سایر متغیرها و تمرکز بر این ده متغیر مهم‌تر در نرم‌افزار میک‌مک متوجه می‌شویم که دو چرخه متفاوت اما کاملاً مرتبط با یکدیگر در مسائل کلیدی استان وجود دارد که تمرکز بر آن‌ها می‌تواند گره‌گشای بسیاری از این مشکلات و همچنین سایر مشکلات استان باشد. از یک سو ارتباط بسیار معناداری میان سه متغیر مدیریتی یعنی ناکارآمدی ساختار اداری، ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر و تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری به عنوان سه متغیر کلیدی استان وجود دارد که همگی متغیرهای آن مدیریتی یا مربوط به حکمرانی هستند و به همین دلیل نام این چرخه را چرخه ناکارآمدی می‌گذاریم. در بطن این چرخه متغیر دیگری به نام ضعف نظارت و بازرسی هم وجود دارد که کاملاً مرتبط با سه متغیر دیگر و باز هم مقوله‌ای مدیریتی و مربوط به حکمرانی است. در کنار این چرخه شاهد شکل‌گیری یک مثلث دیگر از ترکیب سه متغیر حاشیه‌نشینی، مشکلات اقتصادی- معیشتی و فقر و محرومیت هستیم که گرچه نتیجه چرخه ناکارآمدی است، اما نشانگر مسائلی است که مربوط به عموم مردم است و باعث کاهش سطح زندگی و حتی به خطراتادن بقا و موجودیت جامعه می‌شود و به همین دلیل

نام چرخه محرومیت را بر آن می‌گذاریم. این دو چرخه به طرز معناداری با یکدیگر ارتباط دارند و تا حد زیادی منطبق بر یکدیگر هستند. در بطن این چرخه نیز دو متغیر تورم و گرانی و بازدارنده نبودن قوانین خودنمایی می‌کنند که می‌توان آن‌ها را به عنوان عوامل درونی شکل‌گیری و تداوم این چرخه در نظر گرفت و در خارج از این دو مثلث هم متغیر تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر هر دو چرخه تأثیرگذار بوده است، گرچه تأثیرگذاری آن بر چرخه ناکارآمدی ضعیف‌تر و بر چرخه محرومیت قوی‌تر است. این متغیر از یک سو رابطه بسیار وثیقی با مشکلات اقتصادی- معیشتی و فقر و محرومیت دارد و از این طریق اثر خود را بر چرخه محرومیت می‌گذارد و از سوی دیگر یک اثرگذاری متوسط بر ناکارآمدی ساختار اداری دارد و از این طریق تأثیر خود را بر چرخه ناکارآمدی آشکار کرده است:



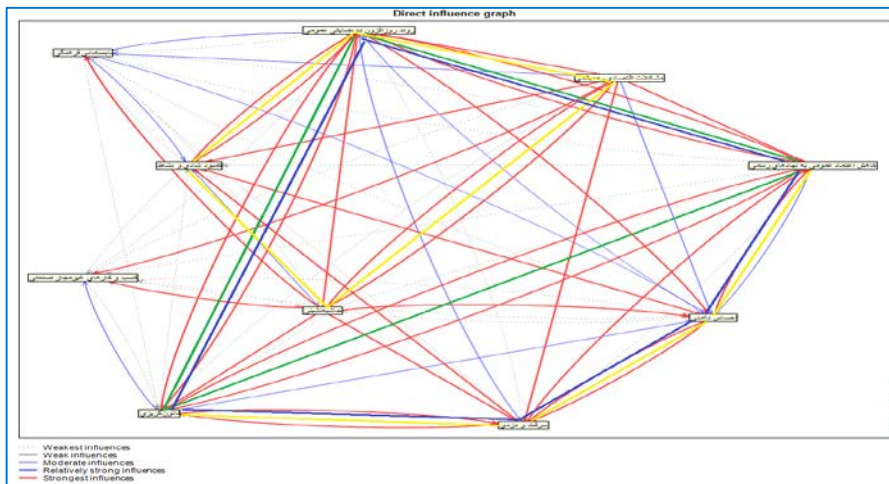
هرچند تشخیص مشکل در قالب دو چرخه ناکارآمدی و محرومیت بهتر می‌تواند ما را در حل مشکل و تجویز سیاست‌ها یاری دهد، اما برای یافتن نقطه شروع شکل‌گیری این چرخه‌ها کافی است ارتباط بین متغیرها را در نرم‌افزار میک‌مک از نقطه شروع تا آخر ادامه دهیم. در واقع برای بررسی میزان و چگونگی درهم‌تنیدگی چرخه‌ها باید شدت و جهت تأثیرگذاری مسائل بر یکدیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر در تحلیل ساختاری اینک شبکه مسائل ساختار

به هم پیوسته دارد یا از شبکه‌های جداگانه تشکیل شده است و همچنین اینکه جهت تأثیرگذاری هر مسئله بر مسائل دیگر چگونه و شدت آن به چه میزان است از مهم‌ترین مواردی است که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس برای تحلیل شبکه نظام مسائل استان تهران نمودارهای شدت و جهت تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم از نرم‌افزار استخراج و به ترتیب کدگذاری شد تا از این طریق نقطه شروع و نحوه شکل‌گیری و تقویت یک مسئله و تبدیل آن به یک چرخه به صورت دقیق مشخص شود. بر این اساس نقطه شروع شکل‌گیری چرخه محرومیت، فقر و محرومیت است که باعث تقویت حاشیه‌نشینی شده است. تحریم‌های بین‌المللی نیز بر بروز مشکلات اقتصادی - معیشتی تأثیرگذار بوده‌اند و این مشکلات به فقر و محرومیت دامن زده‌اند.

۳. متغیرهای تأثیرپذیر

از میان ۹۵ مسئله مورد بررسی مشخص شد که ده مسئله روند روزافزون نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی، کمبود شادی و نشاط، احساس ناامنی، نابسامانی فرهنگی، قانون‌گریزی، سرقت و دزدی، حاشیه‌نشینی، کسب و کارهای غیرمجاز صنعتی و مشکلات اقتصادی - معیشتی بیشترین میزان تأثیرپذیری را در میان مسائل استان تهران داشته‌اند. این مسائل یا متغیرها در نقطه مقابل متغیرهای تأثیرگذار که بیشتر مدیریتی و مربوط به حکمرانی بودند، بیشتر جنبه عمومی دارند و در واقع بازتاب‌دهنده مشکلات اجتماعی مردم استان هستند. با حذف سایر متغیرها و تمرکز بر این ده متغیر به خوبی آشکار می‌شود که رابطه معناداری میان این مسائل وجود دارد. همچنان که در نمودار زیر دیده می‌شود قانون‌گریزی، روند روزافزون نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی ارتباط متقابل با یکدیگر دارند و یک مثلث (سبز رنگ) را تشکیل داده‌اند که در کانون مسائل مذکور قرار گرفته است و نقطه اتصال مسائل دیگر می‌باشد. مماس با قاعده این مثلث شاهد اتصال دو متغیر دیگر یعنی احساس ناامنی و سرقت و دزدی از طریق کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و قانون‌گریزی هستیم که زمینه ارتباط میان متغیرهای مذکور را در قالب پنج ضلعی (آبی رنگ) فراهم می‌کند. همچنین در رأس مثلث شاهد ارتباط میان چهار متغیر روند روزافزون نارضایتی عمومی، مشکلات اقتصادی - معیشتی، حاشیه‌نشینی و کمبود شادی و نشاط هستیم که در قالب یک چهار ضلعی (زرد رنگ) باعث تقویت شبکه ارتباط بین

متغیرها می‌شود. از میان متغیرهای مورد بررسی نابسامانی فرهنگی و کسب‌وکارهای غیرمجاز صنعتی در عین حال که از نظر رتبه جزو ده متغیر مهم هستند و ارتباط ضعیف‌تر با متغیرهای دیگر دارند، اما رابطه معناداری با مسائل یا متغیرهای دیگر ندارند:



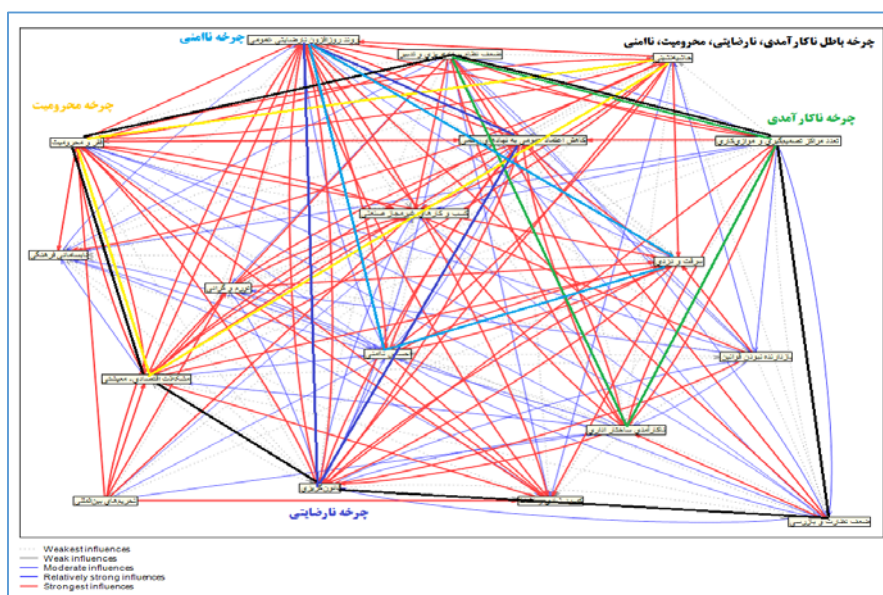
همچنان که در بخش متغیرهای تأثیرگذار به نحوه شکل‌گیری و تکامل چرخه‌های مسائل پرداختیم، در این بخش نیز ارتباط بین متغیرها را در نرم‌افزار میک‌مک از نقطه شروع تا آخر پیگیری کرده و شدت و جهت تأثیرگذاری مسائل بر یکدیگر را نیز مورد بررسی قرار دادیم. بر این اساس تحلیل شبکه نظام مسائل استان تهران بر اساس شدت و جهت تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم مسائل که از نرم‌افزار میک‌مک استخراج و به ترتیب کدگذاری شده است، نشان می‌دهد که نقطه شروع مسائل از کمبود شادی و نشاط در جامعه بوده که بر روند روزافزون نارضایتی عمومی اثرگذار بوده است. رابطه دوم بین حاشیه‌نشینی و سرقت و دزدی برقرار شده است و در رابطه سوم هم حاشیه‌نشینی بر روند روزافزون نارضایتی عمومی تأثیر گذاشته و این روند به تدریج تقویت و برجسته شده است.

۴. تأثیر متقابل متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر

با وجود اینکه بررسی روابط میان متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر به صورت مستقل به خوبی گویای مسائل و مشکلات استان تهران است اما از کنار هم قرار دادن آن‌ها، تصویر به مراتب دقیق‌تر و جامع‌تری ساخته می‌شود که نه تنها مسائل استان و ارتباط میان آن‌ها را تبیین می‌کند، بلکه می‌تواند مقدمه‌ای برای تجویز و ارائه راه‌حل‌ها و توصیه‌های سیاستی هم باشد. بر این اساس اگر ده مسئله یا متغیر تأثیرگذار و ده مسئله یا متغیر تأثیرپذیر را مورد توجه قرار دهیم، با توجه به اینکه حاشیه‌نشینی و مشکلات اقتصادی- معیشتی هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر هستند، بنابراین با در کنار هم قرار دادن هجده متغیر مذکور و بازبینی ساختار مسائل در نرم‌افزار میک‌مک به تصویر جدیدی دست می‌یابیم که ارتباط میان مسائل و متغیرها بسیار دقیق‌تر و معنادارتر می‌شود.

نمودار زیر حاصل بازبینی روابط میان متغیرهای مذکور است که از تحلیل روابط آن‌ها می‌توان چهار مثلث متداخل که با رنگ‌های مختلف مشخص شده است را برجسته کرد. در واقع با اتصال متغیرهایی که تأثیرگذاری متقابل و قوی دارند می‌توان به چهار حلقه از مسائل و مشکلات دست یافت که با توجه به مضمون متغیرها عنوانی برای هر کدام تعیین شده است تا راحت‌تر بتوانیم آن‌ها را درک و تحلیل کنیم. مثلث سبزرنگ که از اتصال تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری، ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر و ناکارآمدی ساختار اداری شکل می‌گیرد را به عنوان چرخه ناکارآمدی نام‌گذاری کردیم که در گوشه بالای سمت راست نمودار قرار گرفته است. از اتصال سه متغیر فقر و محرومیت، مشکلات اقتصادی- معیشتی و حاشیه‌نشینی مثلث دیگری که با رنگ زرد مشخص شده در گوشه سمت چپ نمودار شکل می‌گیرد که بر آن نام چرخه محرومیت گذاشتیم. حلقه سوم ارتباط را با اتصال موقعیت سه متغیر قانون‌گریزی، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و روند روزافزون نارضایتی عمومی در میانه نمودار با رنگ آبی مشخص کرده و بر آن نام چرخه نارضایتی گذاشتیم و در نهایت از اتصال روابط متغیرهای سرقت و دزدی، احساس ناامنی و روند روزافزون نارضایتی عمومی مثلثی به رنگ فیروزه‌ای در میانه بالایی نمودار شکل می‌گیرد که بر آن نام چرخه ناامنی نهادیم. با وجود اینکه این چرخه‌ها هر کدام به صورت مستقل نیز اثر خود را بر مسائل استان تهران گذاشته‌اند، اما اثرگذاری متقابل آن‌ها بر یکدیگر که از تداخل و انطباق آن‌ها بر

هم نیز قابل درک است، باعث پیچیده‌تر شدن وضعیت شده و چرخه باطل ناکارآمدی، محرومیت، نارضایتی و ناامنی را شکل می‌دهد که گویای بخش بزرگی از مشکلات استان است.



همچنان که در نمودار فوق مشاهده می‌شود از هجده متغیر مورد نظر، چهارده مورد آن‌ها به دلیل رابطه متقابل دارای نقاط اتصال به یکدیگر هستند که از اتصال آن‌ها به یکدیگر چرخه باطل ناکارآمدی، محرومیت، نارضایتی و ناامنی شکل گرفته است. چهار متغیر خارج از این چرخه یعنی حاشیه‌نشینی، روند روزافزون نارضایتی عمومی، نابسامانی فرهنگی و تحریم‌های بین‌المللی بر چهارده متغیر شکل‌دهنده به چرخه مذکور اثرگذار بوده‌اند و این بدان معناست که با کنترل و مدیریت این متغیرها می‌توان از میزان اثرگذاری این چرخه کاست و آن را بهتر مدیریت کرد. رتبه تأثیرگذاری مستقیم، غیرمستقیم و خالص مسائل کلیدی استان تهران را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۳- رتبه تأثیرگذاری مستقیم، غیرمستقیم و خالص مسائل کلیدی استان تهران

تأثیرگذاری خالص	تأثیرگذاری غیرمستقیم	تأثیرگذاری مستقیم	شاخص	مسائل کلیدی
۸۹۹	۴۴۷	۴۵۲	میزان	ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر
۱	۱	۱	رتبه	
۶۸۳	۳۱۲	۳۷۱	میزان	مشکلات اقتصادی-معیشتی
۲	۴	۲	رتبه	
۶۱۲	۳۴۲	۲۷۰	میزان	تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری
۳	۲	۲۶	رتبه	
۵۶۷	۲۵۳	۳۱۴	میزان	ناکارآمدی ساختار اداری
۴	۷	۳	رتبه	
۵۴۳	۲۶۰	۲۸۳	میزان	تورم و گرانی
۵	۶	۵	رتبه	
۵۱۸	۵۰۹	۵۲۷	میزان	روند روزافزون نارضایتی عمومی
۱	۱	۱	رتبه	
۴۲۵	۴۲۲	۴۲۸	میزان	کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی
۲	۲	۲	رتبه	
۶۸۲	۳۶۷	۳۱۵	میزان	کمبود شادی و نشاط
۳	۳	۳	رتبه	
۶۴۴	۳۴۲	۳۰۲	میزان	احساس ناامنی
۴	۴	۴	رتبه	
۵۷۴	۲۹۱	۲۸۳	میزان	نابسامانی فرهنگی
۵	۶	۵	رتبه	

د) راه‌حل‌ها و توصیه‌های سیاستی

همچنان که در بررسی و تحلیل داده‌ها هم مشخص شد، چهار چالش اصلی استان تهران، ناکارآمدی، محرومیت، نارضایتی و ناامنی است که به صورت مجزا به هر کدام از آنها می‌پردازیم

و راهبردها و راهکارهای حل مسائل و مشکلات استان تهران را در قالب توصیه‌های سیاستی تدوین و ارائه می‌کنیم.

۱. توصیه‌های سیاستی برای حل مشکل ناکارآمدی

تحلیل ساختاری مسائل استان تهران به خوبی نشان می‌دهد که تأثیرگذارترین مسائل یا متغیرها مربوط به مدیریت یا حکمرانی در سطح ملی و استانی است و بیش و پیش از هر چیز باید نسبت به اصلاح آن‌ها اهتمام نمود. همچنان که گفته شد تأثیرگذارترین مسائل استان تهران به ترتیب عبارتند از: ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر، مشکلات اقتصادی-معیشتی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری، ناکارآمدی ساختار اداری و تورم و گرانی. برخلاف متغیرهای تأثیرپذیر که بیشتر مربوط به برداشت و درک مردم از مشکلات هستند، متغیرهای تأثیرگذار بیشتر مرتبط با حوزه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری یا به عبارت دیگر مربوط به شیوه حکمرانی هستند و بنابراین برای اصلاح و بهبود وضعیت هم باید از نهادهای رسمی و حاکمیتی شروع کرد.

در میان متغیرهای مذکور سه متغیر تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری، ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر و ناکارآمدی ساختار اداری رابطه متقابل بسیار قوی‌ای با یکدیگر دارند و یک مثلث را تشکیل می‌دهند که به دلیل ارتباط همه آن‌ها با ناکارآمدی ساختار اداری، نام چرخه ناکارآمدی را بر آن گذاشتیم. در بررسی و تحلیل این چرخه و نسبت آن با چرخه‌های دیگر اولاً لازم است تأکید شود که چرخه ناکارآمدی از چرخه‌های دیگر قوی‌تر و تأثیرگذارتر است و ثانیاً در خود این چرخه نیز مهم‌ترین متغیر، ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر است که حلقه میانی این چرخه یا زنجیره محسوب می‌شود. در واقع ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر از یک سو متأثر از تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری و از سوی دیگر تشدیدکننده ناکارآمدی ساختار اداری است.

با این اوصاف برای حل مشکل ناکارآمدی ابتدا باید مشکل تعدد مراکز تصمیم‌گیری و موازی‌کاری، سپس مشکل ضعف نظام برنامه‌ریزی و تدبیر و در نهایت خود ناکارآمدی ساختار اداری را برطرف کرد. البته این مسائل فقط منحصر به استان تهران نیستند و در واقع باید برای رفع آن‌ها در سطح ملی اقدام کرد، اما تا حدی که مربوط به استان تهران می‌شود، بهترین راه‌حل ایجاد

یک نظام مدیریت یکپارچه استانی است که یا باید با محور قرارگرفتن استانداری و اعطای اختیار به آن از جانب دولت و سایر نهادهای موازی عملی شود یا با حذف استانداری و واگذاری اختیارات آن به شهرداری زمینه تقویت این نهاد به عنوان مسئول مدیریت مسائل استان تهران فراهم شود. با مقابل هم قراردادن و مقایسه متغیرهای کلیدی تأثیرگذار و تأثیرپذیر در نظام مسائل استان تهران به خوبی می‌توان دریافت که شکاف قابل توجهی میان برداشت مردم و برداشت حاکمیت از مسائل و مشکلات و همچنین مطالبه مردم از کل نظام سیاسی برای حل این مشکلات وجود دارد. به عبارت دیگر تا مادامی که مشکلات ساختاری مذکور حل و فصل نشوند نه تنها حل و فصل مشکلات دیگر مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه حتی اگر این گونه هم بشود تأثیرگذار نخواهد بود. یک نکته مهم در بررسی این مشکل توجه به اثرگذاری جناح‌بندی‌ها و تعارضات شدید سیاسی در استان تهران به عنوان پایتخت کشور بر مسائل است که باعث سیاست‌زدگی امور و بروز پدیده سیاه‌نمایی برخی مسائل با هدف بهره‌برداری در منازعات سیاسی سطح ملی شده است. برای گذر از این مشکلات پیشنهاد ما شفافیت کامل و بدون چون و چرا در حکمرانی از یک سو و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌های استانی یا شهرستانی است، امری که به خصوص با توسعه ارتباطات الکترونیک و گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی تا حد بسیار زیادی تسهیل و امکان‌پذیر شده است.

۲. توصیه‌های سیاستی برای مقابله با چرخه نارضایتی

چرخه نارضایتی در عین حال که باید به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد، اما به هیچ وجه نمی‌توان ارتباط آن با چرخه‌های دیگر از جمله چرخه ناکارآمدی را نادیده گرفت. نارضایتی از یک سو نتیجه بلافصل ناکارآمدی و از سوی دیگر در ارتباط متقابل با چرخه‌های محرومیت و ناامنی است. همچنان که گفته شد مهم‌ترین متغیرهای تأثیرپذیر مسائل استان عبارتند از: روند روزافزون نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی، کمبود شادی و نشاط، احساس ناامنی و نابسامانی فرهنگی. از بین این متغیرها ترکیب دو متغیر اول با قانون‌گریزی به عنوان یکی دیگر از متغیرهای مهم تأثیرپذیر باعث شکل‌گیری چرخه نارضایتی شده است. در واقع روند روزافزون نارضایتی عمومی از یک سو متأثر از ناکارآمدی، محرومیت و ناامنی و از سوی

دیگر باعث کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی و قانون‌گریزی شده است. در مورد اولین و مهم‌ترین مسئله تأثیرپذیر استان یعنی روند روزافزون نارضایتی عمومی چند توصیه سیاستی پیشنهاد می‌شود:

- همچنان که در بخش قبل هم با استناد به نتایج نظرسنجی‌ها و تحقیقات مرتبط نشان داده شد، مهم‌ترین دلیل نارضایتی مردم که شاید بیش از ۶۰ درصد مسائل و مشکلات را ایجاد کرده است، مسائل و مشکلات اقتصادی از جمله گرانی، بیکاری و درآمد ناکافی است که قاعدتاً برای حل آن‌ها باید بر مشکلات اقتصادی غلبه کرد. البته مسائل اقتصادی استان تهران جدای از مسائل اقتصادی کشور نیست و بنابراین برای حل این مشکل باید به فکر حل مشکلات اقتصادی کشور بود. در حل مشکلات اقتصادی کشور دو رویکرد همواره مدنظر سیاست‌گذاران بوده است: یکی برخورد موضوعی و اولویت‌بخشیدن به ترجیحات روزمره مردم و دیگری اصلاح ساختارهای اقتصادی در سطح کلان. تجربه حداقل چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وضوح نشان داده است که رویکرد اول هرچند در کوتاه‌مدت بیشتر به چشم آمده است، اما بعد از مدتی خود به بخشی از مشکل تبدیل شده و هزینه‌های بیشتری را به مردم تحمیل کرده است. بنابراین برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی پیشنهاد می‌شود بر حل بنیادی و اصلاح ساختارهای اقتصادی تمرکز شود، هرچند حل برخی مشکلات کوتاه‌مدت آزردهنده هم حداقل برای رفع برخی نگرانی‌ها نباید از نظر دور داشته شود. در واقع قاعده کلی باید حل بنیادی و ریشه‌ای مشکلات اقتصادی و استثناً باید حل و فصل سریع و مؤثر موارد خاص باشد و تغییر این چارچوب نتیجه‌ای جز تداوم و حتی بدترکردن وضعیت نخواهد داشت.

- برای حل مشکلات اقتصادی به همان میزان که اصلاح ساختارهای داخلی اهمیت دارد، حل و فصل موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی که باعث افزایش تحریم‌ها و مضاعف‌شدن مشکلات شده نیز باید در دستور کار قرار گیرد. در واقع همچنان که از نتایج همین پژوهش و تحقیقات مشابه می‌توان دریافت، تحریم‌های بین‌المللی متأسفانه به یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر مسائل و مشکلات اقتصادی کشور و به ویژه استان تهران تبدیل شده و بدون حل و فصل این مشکل حتی اصلاح ساختارهای اقتصادی نیز غیرممکن شده است. بنابراین برای حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم نه تنها در استان تهران، بلکه در سطح کل کشور باید اهتمام جدی به حل این موضوع

از طریق نهادهای ملی ذی ربط داشت. بدیهی است که تا حل و فصل موضوع نباید دست روی دست گذاشت و شاهد تعطیلی صنایع و بیکاری شاغلین بود یا اجازه داد فضای کسب و کار اقتصادی اسیر تمایلات سوداگرانه عده‌ای خاص شود. برای حل این مشکل پیشنهاد می‌شود با تأسیس کلینیک ویژه «امداد صنعت» به صورت خاص و ویژه به کمک صنایع و شاغلین حوزه‌های مختلف اقتصادی شتافته شود. در این کلینیک به تأسی از کلینیک‌های درمانی باید نسبت به حل و فصل مشکلات از طریق مشاوره، درمان و تثبیت وضعیت اقدام شود و به ویژه با اصلاح ساختارهای مالی و برقراری زنجیره ارتباط میان تولیدکننده، مصرف‌کننده داخلی یا صادرکننده نسبت به رفع موانع و مشکلات اقتصادی اقدام کرد.

- برای حل مشکل روند روزافزون نارضایتی عمومی در گام نخست باید روند روبه‌رشد آن را متوقف کرد و سپس از طریق سیاست‌های جبرانی برای تغییر وضعیت اقدام نمود، اما همه این فرایندها مستلزم آن است که از میزان رضایت‌مندی یا نارضایتی مردم اطلاعات دقیق و جامع داشته باشیم و این مهم هم امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با رصد دقیق و جامع موضوع توسط نهادهای رسمی استان از جمله استانداری تهران. در واقع استانداری تهران باید ابتدا وضعیت موجود در این زمینه را با استناد به داده‌های قابل اتکا و متقن تحلیل و تبیین کند و سپس باید با مدیریت یکپارچه و هماهنگ و بر اساس طرحی تدریجی برای تغییر وضعیت اقدام نماید. البته بدیهی است که حل بسیاری از مشکلات استان تهران جدای از حل مشکلات کشور نیست و بنابراین هماهنگی فرااستانی به ویژه از طریق شورای عالی امنیت ملی به عنوان مرجع تصمیمات عالی امنیتی در کشور باید در دستور کار قرار گیرد. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که به احتمال بسیار زیاد در بسیاری از استان‌ها یا حداقل کلان‌شهرهای کشور با وضعیتی مشابهی مواجه باشیم و نارضایتی‌های عمومی که در ناآرامی‌های آبان ۱۳۹۸ و قبل از آن در در دی‌ماه ۱۳۹۶ خود را آشکار کرد، حاکی از آن است که حداقل برای شهرهای درگیر در این ناآرامی‌ها باید برنامه ویژه‌ای تدارک دیده شود و با رصد مداوم و دقیق از میزان نارضایتی‌های عمومی کاسته شود.

- برای حل و فصل مشکل نارضایتی عمومی یکی از موارد قابل توجه این است که علاوه بر مسائل و مشکلات اقتصادی به مسائل و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز توجه ویژه صورت گیرد. در واقع هر چند بخش عمده نارضایتی ناشی از عوامل و دلایل اقتصادی است اما

همچنان که به استناد نظرسنجی‌ها و تحقیقات مرتبط نشان داده شد، بخشی از مشکل هم‌غیراقتصادی است و بنابراین در کنار راه‌حل‌های اقتصادی باید به حل‌وفصل مشکلات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز همت گماشت. در این راستا پیشنهاد می‌شود ایجاد فضای باز فرهنگی در چارچوب موازین و مقررات قانونی و شرعی، کنترل مهاجرت به تهران از طریق تغییر سیاست‌ها و رویه‌های مهاجرفرست، کنترل و مدیریت حاشیه‌نشینی، مدیریت متمرکز و هوشمند آسیب‌های اجتماعی، افزایش مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها، احترام به سلايق سیاسی مختلف در چارچوب موازین قانونی، گسترش و تعمیق فعالیت نهادهای مدنی از جمله احزاب و سمن‌ها، اصلاح ساختارهای اداری از طریق اجرای حداکثری دولت الکترونیک، اولویت‌دادن به تخصص و کارآمدی در عزل و نصب مدیران استان، شفافیت و اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع از سیاست‌ها و تصمیمات در دستور کار همه نهادهای رسمی استان قرار گیرد.

۳. توصیه‌های سیاستی برای مقابله با چرخه محرومیت

چرخه محرومیت از روابط متقابل و هم‌افزای سه متغیر کلیدی یعنی فقر و محرومیت، مشکلات اقتصادی-معیشتی و حاشیه‌نشینی تشکیل می‌شود و بنابراین برای رفع این مشکل نیز در عین توجه به رابطه با چرخه‌های دیگر باید از تغییر وضعیت همین متغیرها شروع کرد. فقر و محرومیت از یک سو نتیجه تحریم‌های بین‌المللی بوده که اثرات خود را بر وضعیت اقتصادی کشور گذاشته و فقر و محرومیت را نه تنها برای مردم استان تهران، بلکه برای کل کشور به دنبال داشته است. از سوی دیگر متغیرهای چرخه ناکارآمدی از جمله ناکارآمدی ساختار اداری نیز این مشکل را برجسته و تقویت کرده است. نتیجه این وضعیت تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و انتقال بخشی از آن‌ها به شهرهای حاشیه‌ای بوده است که در نتیجه افزایش مهاجرت از سراسر کشور به دلیل تضعیف اقتصادهای محلی و افزایش بیکاری از یک سو و تمرکز بیشتر امکانات در تهران از سوی دیگر شکل گرفته‌اند. در واقع چرخه محرومیت بیشتر یک چرخه ناقص و معیوب اقتصادی است که با آمیخته‌شدن با مسائل و مشکلات اجتماعی به تدریج به یک کلاف سردرگم سیاسی-امنیتی تبدیل شده است.

برای حل و فصل این معضل از یک سو باید تأثیر عوامل فراملی اثرگذار بر اقتصاد ملی را به حداقل رساند. بدون تعارف و پرده‌پوشی و با استناد به مسائل و مشکلات واقعی مردم استان تهران و کل کشور باید گفت تحریم و انزوای بین‌المللی نفس‌های اقتصاد ملی ما را به شماره انداخته و زمینه بروز مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مانند حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ را فراهم کرده است. شاید تحریم برای برخی صنایع داخلی فرصت هم ایجاد کرده باشد، اما واقعیت این است که این فرصت‌ها به بهای انزوای بین‌المللی اقتصاد و سیاست ایران بوده و در نهایت حتی به صورت غیرمستقیم اثر منفی خود را بر همان حوزه‌ها هم آشکار کرده است. کاهش ارزش پول ملی، تضعیف یا حتی تعطیل برنامه‌های توسعه، کاهش تولید ناخالص ملی و منفی شدن رشد اقتصادی که همه نتیجه افزایش تحریم بوده قطعاً برای هیچ شخص یا گروه یا صنعتی مزیت ایجاد نکرده و در نهایت به کاهش درآمد مردم و افزایش تورم و هزینه‌های زندگی همگی منتهی شده است. نقش دولت‌ها هم در این میان به دلایلی که در چرخه ناکارآمدی گفته شد جز مقابله مقطعی با بحران‌های پی‌درپی چیز دیگری نبوده است.

البته با کاهش تحریم‌های بین‌المللی بدون حل مشکلات ساختار سیاسی، اقتصادی و اداری نه تنها مشکلات حل نمی‌شود، بلکه ممکن است تشدید هم شود. بنابراین کاهش تحریم و ناکارآمدی باید به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند تا چرخه محرومیت تبدیل به بحران امنیتی نشود. همچنین نقش چرخه نارضایتی و ناامنی را نیز در ایجاد اتصال میان این چرخه‌ها نباید نادیده گرفت. در واقع آنچه باعث مؤثر واقع شدن تحریم و برجسته شدن آثار زیان‌بار محرومیت اقتصادی شده، نارضایتی مردم از وضعیت موجود و آمادگی برای مقابله یا مقاومت منفی در مقابل آن است. به عبارت دیگر در استان تهران کنونی علاوه بر ناکارآمدی و محرومیت با نارضایتی روزافزون مردم نیز مواجه هستیم و ترکیب و هم‌افزایی این عوامل در کنار یکدیگر باعث افزایش ناامنی در قالب حوادثی مانند دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ شده است.

۴. توصیه‌های سیاستی برای مقابله با چرخه ناامنی

ناامنی را از جهتی می‌توان حلقه پایانی یا نتیجه حلقه‌های پیشین و از جهتی نقطه شروع تغییر وضع موجود تلقی کرد. همچنان که گفته شد ناامنی نتیجه نارضایتی و نارضایتی نتیجه محرومیت

و ناکارآمدی بوده است و تسلسل و ترکیب این چرخه‌ها باعث بروز بحران‌های امنیتی مقطعی نه تنها در تهران، بلکه در کل کشور شده است. البته چرخه ناامنی خود نتیجه ترکیب سه متغیر روند روزافزون نارضایتی عمومی، احساس ناامنی و سرقت و دزدی بوده است، اما به صورت غیرمستقیم از چرخه‌ها و متغیرهای دیگر نیز تأثیر پذیرفته است. متغیرهای چرخه ناکارآمدی قطعاً بر افزایش نارضایتی و احساس ناامنی مردم اثرگذار بوده و از همین طریق باعث دامن‌زدن به چرخه نارضایتی از یک سو و چرخه محرومیت از سوی دیگر شده‌اند و آنچه ما در قالب بحران‌های امنیتی در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم، نتیجه ارتباط زنجیره‌ای این متغیرها بوده است. بنابراین برای غلبه بر چرخه ناامنی و در واقع برای تغییر در شرایط متغیرهای مربوط به این چرخه بیش و پیش از هر چیز باید به تغییر وضعیت چرخه‌های مذکور پرداخت. طبعاً مادامی که مشکلات چرخه ناکارآمدی حل و فصل نشوند، نمی‌توان امیدوار به کاهش مشکلات مربوط به چرخه نارضایتی و همچنین چرخه محرومیت بود و بدون تضعیف این حلقه‌ها قطعاً نمی‌توان بر مشکل ناامنی غلبه پیدا کرد. در واقع احساس امنیت یا ناامنی یک فرایند طولانی است که نقطه شروع و پایانی دارد و در عین حال که خود می‌تواند به عنوان یک متغیر مستقل مورد توجه قرار گیرد، اما حداقل در تحلیل ساختاری مسائل امنیتی استان تهران یک متغیر وابسته و کاملاً متأثر از چرخه‌های دیگر است و غلبه بر آن فقط با غلبه بر مشکلات پیش‌گفته امکان‌پذیر است.

هرچند در کوتاه‌مدت و به صورت مقطعی می‌توان با پیشگیری از سرقت و دزدی یا تشدید نظارت بر کسب‌وکارهای غیرمجاز صنعتی یا حتی با جلوگیری از قانون‌گریزی و رشد حاشیه‌نشینی بر احساس ایمنی جامعه افزود یا با بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم بر نگرانی‌های اقتصادی آن‌ها غلبه کرد، اما واقعیت این است که این گونه برخورد‌های مقطعی اگرچه ممکن است برای مدتی اثرگذار باشند، اما در نهایت خود به بخشی از مشکل تبدیل شده و موج‌های گسترده‌تری از ناامنی را دامن خواهند زد. بنابراین بهتر است به جای راه‌حل‌های مقطعی و کوتاه‌مدت به حل بنیادی و ساختاری مشکل پرداخت و با چاره‌اندیشی برای ناکارآمدی، نارضایتی و محرومیت به حل اساسی ریشه‌های ناامنی پرداخت.

نتیجه گیری

همچنان که در تحلیل ساختاری مسائل امنیتی استان تهران اشاره شد، اگر بخواهیم مسائل اساسی استان تهران را در یک تصویر برجسته کنیم آن تصویر چیزی جز چهار مثلث یا چرخه ناکارآمدی، نارضایتی، محرومیت و ناامنی که در عین تداخل با یکدیگر ارتباط معناداری با هم دارند، نیست. در واقع وضعیت موجود حکمرانی در استان تهران به هیچ وجه منطقی، متوازن، به روز و اثربخش نبوده است و قطعاً باید تغییر کند. برای تغییر در این حوزه باید دو تحول بنیادین صورت گیرد. تحول اول بهبود کارآمدی حکمرانی در عمل است. فارغ از پایین بودن یا نبودن کیفیت فعلی حکمرانی استان، انتظارات مردم استان از این حکمرانی به مراتب بیشتر از وضعیت کنونی و طبعاً بسیار بیشتر از انتظارات مردم سایر استان‌ها است. بنابراین در هر حال کیفیت حکمرانی در استان باید ارتقا یابد. تحول دوم در حوزه پنداشت‌هایی است که پیرامون حکمرانی در استان وجود دارد. پنداشت مردم استان درباره وضعیت حکمرانی اساساً وضعیت مناسبی ندارد. این بدان معناست که هم خود حوزه حکمرانی و هم پنداشت‌ها در حوزه حکمرانی استان نیازمند بهبود جدی است. به عبارت دیگر هم واقعیت حکمرانی و هم پنداشت حکمرانی در استان باید به صورت توأمان بهبود یابد.

با تغییر در قواعد حکمرانی و پنداشت مردم درباره آن می‌توان بر مشکل ناکارآمدی تا حد زیادی غلبه کرد، اما برای حل مشکلات دیگر و در واقع برای پایدارکردن نتیجه تغییرات موردنظر باید رضایت‌مندی مردم را به عنوان مهم‌ترین معیار حکمرانی مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر مردم باید معیار درستی یا نادرستی حکمرانی در استان باشند و نظر آن‌ها باید به صورت مداوم مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد تا نقشه راه تغییرات جدید در ساختار حکمرانی باشد. بدیهی است که برای مردم همواره مسائل و مشکلات اقتصادی به دلیل ملموس و دم‌دست بودن بیشتر مورد توجه است و لذا حل این مسائل باید در اولویت رسیدگی قرار گیرد، اما این هرگز به معنای آن نیست که نباید به دیگر نیازها و خواست‌های مردم بی‌توجه بود. بر این اساس احساس رضایت باید جای نارضایتی و احساس امنیت باید جای احساس ناامنی را بگیرد و این نیز موضوعی است که باید به صورت مستمر مورد پایش و ارزیابی قرار گرفته و مبنای تحولات جدید باشد.

فهرست منابع

- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (۱۳۹۸)، *پایش ملی محیط کسب و کار کشور*، تهران: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
- استروس، انسلم و جولیت کرین (۱۳۹۰)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، *پژوهش، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۴۴-۱۵*.
- آذر، عادل و همکاران (۱۳۹۲)، *تحقیق در عملیات نرم، رویکردهای ساختاردهی مسئله*، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- بی، ارل (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۰)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه غلامحسین حبیبی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران (۱۳۹۸)، «*اینفوگرافی شاخص‌های اقتصادی استان تهران*». قابل دسترس در: <http://amar.thmporg.ir>
- درگاه ملی آمار (۱۳۹۷). قابل دسترس در: <https://www.amar.org>
- دفتر آمار و اطلاعات استانداری تهران (۱۳۹۵)، «*کتابخانه، کتاب، اعضا و مراجعین به کتابخانه‌های عمومی تحت پوشش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران*». قابل دسترس در: <http://amar.thmporg.ir/tehran-esc>
- دلاور، علی (۱۳۸۳)، *مبانی نظری و عملی پژوهش*، تهران: انتشارات رشد.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران (۱۳۹۵)، *سالنامه آماری ۱۳۹۵ استان تهران*، معاونت آمار و اطلاعات.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران (۱۳۹۷)، «*درآمدها و هزینه‌های خانوار شهری و روستایی در استان تهران*»، قابل دسترس در: <http://amar.thmporg.ir/tehran-socio-economic/household-income>
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران (۱۳۹۸)، *رتبه‌بندی استان‌های کشور از نگاه برخی شاخص‌های آماری*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران.
- سالدنا، جانی (۱۳۹۵)، *راهنمای کدگذاری برای پژوهشگران کیفی*، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۵)، *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تاکید بر نظریه برپایه*، تهران: آگاه.
- قاسمی موقر، حمیدرضا (۱۳۹۷)، *نتایج طرح نیروی کار استان تهران سال ۱۳۹۶*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران - معاونت آمار و اطلاعات.
- قاسمی موقر، حمیدرضا، سید مسعود سجادی و گیتی مرتضائیان (۱۳۹۶)، *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵*، سازمان برنامه و بودجه استان تهران، معاونت آمار و اطلاعات.

- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، تجربه نوسازی: مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه ای، تهران، نشر جامعه‌شناسان.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) (۱۳۹۸)، «بررسی دیدگاه مردم تهران در خصوص مسائل روز جامعه»، تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا).
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، «سالنامه آماری کشور». قابل دسترس در:
https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1395/n_Salname_95-V3.pdf
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، «میزان حضور و پراکنندگی اتباع بیگانه در استان تهران». قابل دسترس در:
<https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1388/tehran-manategh-85.pdf>
- مرکز آمار و فناوری اطلاعات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۳۹۶)، «پزشکان شاغل در دانشگاه‌های شهر تهران بر حسب تخصص». قابل دسترس در: <https://iums.ac.ir>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)، «پایش امنیت سرمایه‌گذاری کشور، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی».
- مرکز رصد اجتماعی کشور (۱۳۹۴)، «سرمایه اجتماعی ایران، تهران: وزارت کشور».
- مولایی محمد مهدی و حامد طالبیان (۱۳۹۵)، «آینده پژوهشی مسائل ایران با روش تحلیل ساختاری»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۸۶، صص ۳۲-۵.
- نصر، احمد رضا و صدیق کریمی (۱۳۹۱)، «روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه»، پژوهش، سال چهارم، شماره اول، صص ۷۱-۹۴.
- نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۸۹)، «شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سید حسین کاظمی، جلد دوم، تهران: کتاب مهربان نشر».
- وزارت اقتصاد و دارایی (۱۳۹۶)، «احساس شادی و نشاط در کشور، تهران: وزارت اقتصاد و دارایی».
- وزارت راه و شهرسازی (۱۳۸۸)، «آمایش استان تهران». قابل دسترس در: <https://www.mrud.ir/>
- ویکی‌پدیا (۱۳۹۷)، «تهران». قابل دسترس در: <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

- Ahmed, M. T. (2010), Ecosystems and Human Well-being: El Maghara, Northern Sinai, Egypt. UNEP/Earthprint.
- Attri, R., Dev, N., & Sharma, V. (2003), "Interpretive Structural Modelling (ISM) Approach: an Overview", *Research Journal of Management Sciences*, 2319, 1171.
- Benjumea-Arias, M., Castañeda, L., & Valencia-Arias, A. (2016), "Structural Analysis of Strategic Variables through Micmac Use: Case Study", *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 7(4): 11.
- Gallie, Walter Bryce (1956), "Essentially Contested Concepts", *Proceedings of the Aristotelian Society*, Vol. 56. Aristotelian Society, Wiley.
- Godet, A. J.; Meunier, M. F.; Roubelat, F. (2003), "Structural Analysis with the MICMAC Method & Actors' Strategy with MACTOR Metho", in Glenn, J. C.; Gordon, T. J., (eds), *AC/UNU Millennium Project: Futures Research Methodology-V2*. Washington DC: AC/UNU Publ.
- Godet, M. (2006), *Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool*, Economica Publish, France.
- Godet, M. and P. Durance (2011), *Strategic Foresight for Corporate and Regional Development*, Dunod and Unesco.

- Godet, M., Durance, P., & Gerber, A. (2008), *Strategic Foresight, la Prospective, Use and Misuse of Scenario Building*, Circle of Future Entrepreneurs (CEF). Available at: <http://www.lapropective.fr/>.
- Gordon, T. J. (1994), *Cross-impact Method*, American Council for the United Nations University.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005), "Three Approaches to Qualitative Content Analysis", *Qualitative Health Research*, 15(9): 1277-1288.
- Jharkharia S. and Shankar R. (2005), "IT- Enablement of Supply Chains: Understanding the Barriers", *Journal of Enterprise Information Management*, 18(1): 11-27.
- Laprospective (2019), Available at: <http://en.lapropective.fr/methods-ofprospective/softwares-cloud-version/4-micmac.html>.
- Sage A.P. (1977), *Interpretive Structural Modeling: Methodology for Large Scale Systems*, New York, NY: McGraw-Hill.
- Sartori, Giovanni (1970), "Concept Misformation in Comparative Politics", *American Political Science Review*, 64(4): 1033-1053.
- Villacorta, P. J., Masegosa, A. D., Castellanos, D., & Lamata, M. T. (2012), "A Linguistic Approach to Structural Analysis in Prospective Studies", *International Conference on Information Processing and Management of Uncertainty in Knowledge-Based Systems*, Berlin, and Heidelberg: Springer, pp. 150-159.
- Warfield J.W. (1974), "Developing Interconnected Matrices in Structural Modelling", *IEEE Transactions on Systems Men and Cybernetics*, 4(1): 51-81.
- Zali, N., & Motavaf, S. H. (2017), "Identification of Regional development Drivers by Scenario Planning", *International Journal of Urban Management and Energy Sustainability*, 1(2): 90-103.